

بازده تولید نیروی کار و دستمزد صنایع

در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

قسمت دوم

میزان بازده تولید

بنگلادش بوده است. در اینجا مناسب است که جهت درک بهتر موقعیت بازده تولیدی این کشورها مقایسه‌ای با ارقام بازده تولیدی مورد نظر در صنایع کارخانه‌ای امریکا که به همین روش تهیه گردیده است انجام دهیم. این ارقام همانطور که مورد انتظار است مربوط به دوره مذکور یعنی ۸۴-۱۹۷۵ میباشند. بازده تولیدی نیروی کار در امریکا طی همین دوره بین ۱۱۶۰۰۰ و ۱۲۷۰۰۰ دلار است. با مروری بر کشورهای مورد مطالعه درمی‌یابیم که تنها کشور اردن است که توانسته به نیمی از میزان بازده تولیدی یادشده در ایالات متحده نزدیک شود ولی هنوز از نصف آن کمتر میباشد.

باتوجه به اینکه نرخ رشد بازده تولیدی نیروی انسانی یکی از شاخص‌های مهم پویایی تولید بشمار میرود، ارزیابی میزان بازده تولید ضروری است. در آخرین سال دوره مورد بررسی، از بین ۱۷ کشور مورد مطالعه، اردن بالاترین سطح بازده تولید را که بالغ بر ۶۶۸۱۵ دلار بود دارا گردید و بدنبال آن کامرون، ایران و ترکیه بودند که هر کدام از سطح بیش از ۴۰۰۰۰ دلار برخوردار شدند. (جدول ۱)، در الجزایر، مالزی و بورکینافاسو سطح بازده تولید کم و بیش ۳۶۰۰۰ و ۳۴۰۰۰ دلار بود در حالی که در مراکش، پاکستان، سنگال، تونس، مصر، زامبیا و اندونزی بین ۲۲۰۰۰ و ۱۵۰۰۰ دلار گردید. پائین‌ترین سطح بازده تولید یعنی زیر ۱۰۰۰۰ دلار از آن افغانستان، سومالی و

جدول شماره (۱): تولید واقعی هر فرد شاغل - هزار دلار

کشور	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴
افغانستان	۷/۵	۷/۶	۶/۵	۷/۸	۶/۴	۶/۲	۶/۲	—	—	—
الجزایر	۴۲/۲	۳۸/۴	۳۵/۴	۳۵/۲	۳۶/۸	۳۶/۲	۳۳/۷	۳۲/۶	۳۴/۸	۳۶/۹
بنگلادش	۳/۲	۴/۲	۴/۴	۴/۳	۴/۴	۴/۶	۴/۸	۵/۰	۴/۴	۴/۹
بورکینافاسو	۳۰/۱	۳۶/۸	۳۱/۵	۳۲/۴	۳۱/۳	۳۱/۲	۳۴/۷	۳۲/۴	۳۴/۳	—
کامرون	۲۳/۲	۲۷/۲	۲۷/۶	۲۵/۸	۲۷/۰	۲۸/۱	۴۷/۹	۴۸/۷	۵۰/۰	۵۵/۹
مصر	۱۳/۵	۱۳/۴	۱۴/۲	۱۴/۲	۱۵/۲	۱۶/۲	۱۶/۴	۱۷/۰	—	—
زامبیا	۸/۸	۷/۸	۱۰/۱	۹/۹	۱۲/۶	۱۲/۴	۱۷/۰	۱۳/۲	۱۶/۸	۱۶/۵
اندونزی	۷/۳	۶/۲	۶/۸	۷/۸	۸/۶	۹/۹	۱۰/۸	۱۰/۶	۱۳/۲	۱۵/۲
ایران	۵۹/۰	۶۱/۴	۵۷/۱	—	۵۲/۶	۵۲/۶	۵۲/۰	۴۴/۰	—	—
اردن	۲۶/۵	۲۷/۰	۲۶/۲	۲۵/۳	۳۴/۶	۳۸/۴	۵۸/۶	۶۲/۹	۵۷/۷	۶۶/۸
مالزی	—	۲۷/۲	—	۲۹/۱	—	—	۳۷/۰	۳۶/۴	—	—
مراکش	—	۲۳/۲	۲۳/۰	۲۴/۲	۲۴/۸	۲۵/۲	۲۴/۲	۲۲/۷	۲۲/۴	۲۲/۸
پاکستان	۸/۵	۹/۰	۱۰/۶	۱۲/۲	۱۳/۳	۱۴/۴	۱۵/۸	۱۷/۲	۱۹/۶	۲۲/۲
سنگال	۳۶/۶	۴۴/۷	۴۳/۰	۲۹/۰	۲۹/۲	۲۵/۳	۲۶/۱	۲۶/۴	۲۴/۵	۲۰/۳
سومالی	۲۵/۶	۲۷/۱	۲۵/۱	۲۱/۰	۲۶/۹	۱۴/۴	۱۳/۶	۱۱/۷	۹/۲	۵/۳
تونس	۱۸/۲	۱۸/۸	۱۸/۸	۱۹/۶	۲۰/۹	۲۲/۴	۲۲/۰	۱۷/۴	۱۷/۳	۱۸/۲
ترکیه	۲۵/۸	۲۵/۴	۲۶/۳	۲۲/۵	۲۲/۲	۲۴/۲	۲۸/۸	۳۰/۵	۳۰/۶	۴۰/۰

جدول شماره (۲): توزیع کشورهای براساس سطوح تولید
هزار دلار آمریکا ۱۹۷۵-۸۰ ۱۹۸۰-۸۴

افغانستان بنگلادش	افغانستان بنگلادش اندونزی	زیر ۱۰
سومالی	زامبیا پاکستان	۱۰-۱۵
مصر پاکستان زامبیا تونس اندونزی	مصر تونس مراکش	۱۵-۲۵
بورکینافاسو سنگال مراکش	مالزی ترکیه سومالی	۲۵-۳۵
الجزایر مالزی ترکیه	الجزایر اردن بورکینافاسو سنگال کامرون	۳۵-۴۵
کامرون ایران	ایران	۴۵-۵۵
اردن		۵۵ به بالا

سنگال، سومالی به سطح پائین تر تنزل یافته است. بطور کلی گرچه سطح بازده تولیدی کشورهای عضو سازمان نسبت به کشورهای پیشرفته خیلی کمتر است اما صرف نظر از کیفیت امر میزان آن طی دوره ۱۹۷۵-۸۴ بطور اساسی افزایش یافته است.

دستمزدها

میدانیم که اغلب مواقع افزایش مجموع دستمزدها نشانه افزایش سطح اشتغال است. زیرا که مطالعات نشان میدهد که دستمزدها تحت تأثیر عوامل اقتصادی گوناگون از جمله تصمیمات کارفرمایان کمتر دچار افزایش میشود و بنابراین افزایش مجموع آنها را میتوان بیشتر نشانه افزایش اشتغال

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی بازده تولید کشورهای مورد مطالعه را در دو دوره ۱۹۷۵-۸۰ و ۱۹۸۰-۸۴ نشان میدهد. همانطور که از جدول مشخص است اکثریت کشورها در اولین دوره بین دو حد ۲۵۰۰۰-۴۵۰۰۰ دلار قرار دارند و در دومین دوره بین دو حد ۱۵۰۰۰-۴۵۰۰۰ دلار واقع اند تغییرات اساسی در دو حد ۱۰۰۰۰-۴۵۰۰۰ دلار روی داده است. به این معنا که هفت کشور یعنی کامرون- اندونزی- اردن- مالزی- پاکستان و ترکیه در دومین دوره به سطح بالاتر بازده تولید دست یافته اند. میزان بازده تولید کشورهای افغانستان، الجزایر، بنگلادش، بورکینافاسو، مصر، ایران، مراکش و تونس با اندک تغییرات جزئی نسبتاً ثابت مانده است اما بازده تولید کشورهای

یافت که منجر به رشد نرخ دستمزد واقعی بین ۰/۵ تا ۱۷/۲ در مقایسه با نرخهای اسمی ۸/۲ تا ۲۷/۸ درصد گردید. در میان این کشورها پائین ترین نرخ افزایش شاخص بهای مصرفی به میزان ۶ درصد از آن مالزی است یعنی نرخ رشد دستمزدهای اسمی ۱۸/۴ درصد بود در حالی که نرخ رشد واقعی آن ۱۱/۸ درصد بود.

در اینجا لازم است جدول مربوط به میزان دستمزد واقعی در این کشورها آورده شود تا در تحلیل بیشتر مطالب کمک نماید (جدول ۴) با مراجعه به این جدول می بینیم که از نظر سطح مزد واقعی در بخش صنایع کارخانه‌ای، ایران دارای بالاترین سطح دستمزد (به میزان ۱۱۴۷۷ دلار در هر سال) بود که بعد از آن کامرون و الجزایر بترتیب با دستمزدهائی حدود ۷۶۰۰ و ۸۶۰۰ دلار قرار داشتند. چهارمین رقم به میزان ۶۴۰۰ دلار مربوط به اردن بود. در ترکیه این رقم بالغ بر ۳۷۰۰ دلار می‌گشت در حالی که در مالزی، مراکش، مصر، بورکینافاسو، تونس و سنگال بین ۹۰۰۰ تا ۲۸۰۰ دلار بود. در کشورهای پاکستان، زامبیا، اندونزی این ارقام بین ۱۰۰۰ تا ۱۴۰۰ دلار متغیر بود. در افغانستان، بنگلادش و سومالی نیز زیر سطح ۱۰۰۰ دلار قرار داشت. جالب است بدانیم که این نرخ در صنایع کارخانه‌ای ایالات متحده امریکا برای همان دوره مورد نظر و با روشی واحد حدود ۲۰۰۰۰ دلار محاسبه شده است.

هنگامی که تغییرات نرخ رشد دستمزدهای پرداختی واقعی و نرخ رشد اشتغال رادردوره ۱۹۷۵-۸۰ و ۱۹۸۰-۸۴ مقایسه نمائیم مشاهده میشود که این دو پارامتر در بیشتر کشورها با یکدیگر نسبت معکوس دارند. یعنی وقتی در نرخ دستمزد واقعی در مقایسه با دوره قبل افزایشی حاصل گشته نرخ اشتغال کاهش یافته است و یا برعکس هرگاه در نرخ دستمزد واقعی کاهشی وجود داشته باشد معنی آن این است که نرخ اشتغال فزونی یافته است (به جدول ۳ مراجعه شود). این رابطه معکوس در مورد چهار کشور از ۱۷ کشور یعنی بورکینافاسو، کامرون، اردن و مراکش مصداق ندارد.

دانست، بررسیها نشان میدهد که درمورد کلیه کشورهای مورد مطالعه، دستمزدهای پرداختی (اسمی) در سراسر دوره افزایش داشته است اما میزان آن با نرخهای بسیار متفاوت همراه بوده است. در میان ۱۷ کشور مورد مطالعه، کمترین میزان متوسط نرخ افزایش دستمزدها در افغانستان و سنگال سالانه ۸/۲ و ۹/۴ درصد بود و بالاترین رقم در ترکیه و ایران بترتیب برابر ۵۱/۹ و ۳۲/۳ درصد بود. در سومالی، مصر، الجزایر، اندونزی و اردن رقم مربوطه بالا بود. یعنی در حدود ۲۰/۶ تا ۲۷/۸ درصد که بعد از این کشورها میتوان از زامبیا، مراکش، پاکستان، مالزی، بورکینافاسو و تونس و بنگلادش یاد کرد که این ارقام در مورد آنها از ۱۴/۸ تا ۱۹/۳ درصد متغیر بود. در دومین دوره میزان تغییرات دستمزدها در بیشتر کشورها (بجز افغانستان، اندونزی، پاکستان، سنگال و سومالی) کمتر شد (جدول ۳). در سرتاسر دوره تحت بررسی، متوسط سالیانه افزایش شاخصهای مصرفی کمتر از ۶ درصد در هر کشور بود. در نتیجه میتوان گفت که در برخی از این کشورها بیشتر افزایشهای حاصله در دستمزدهای رسمی بواسطه تورم وسیعی که دستمزدهای واقعی را به سرعت کاهش میداد خنثی گردید. بعنوان مثال در ترکیه علی‌رغم افزایش معتنا به دستمزدهای اسمی، دستمزدهای واقعی براساس قیمتهای سال ۱۹۸۴ به علت تورم بالای ۴۳/۷ درصدی (در سراسر دوره) سالانه تنها تا ۵/۷ درصد افزایش داشت. در سومالی زمانی که نرخ افزایش شاخص بهای مصرفی سالانه بطور متوسط ۳۲/۷ درصد بود. دستمزدهای واقعی تا ۹/۱ درصد در سال تنزل یافت. در الجزایر، بنگلادش، بورکینافاسو، کامرون، مصر، زامبیا، اندونزی و مراکش شاخص بهای مصرفی با نرخی در حدود ۱۰ تا ۱۳ درصد در سال افزایش یافت در نتیجه دستمزدهای واقعی به آرامی با نرخی بین ۳ تا ۱۲/۵ درصد در مقایسه با دستمزدهای اسمی (که با نرخهایی از ۱۵ تا ۲۷/۱ درصد افزایش داشت) ترقی نمود. شاخص بهای مصرفی در افغانستان، اردن، پاکستان، سنگال و تونس با نرخهایی از ۷/۷ تا ۹/۱ درصد رشد

جدول شماره (۳): متوسط نرخ رشد سالانه (درصد)

کشور	کل دستمزد اسمی			کل دستمزدهای واقعی			شاخص بهای مصرفی	کل اشتغال
	۱۹۷۵	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۷۵	۱۹۷۵	۱۹۸۰		
	۱۹۷۵	۱۹۸۴	۱۹۸۰	۱۹۷۵	۱۹۸۴	۱۹۸۰	۱۹۷۵	۱۹۸۴
افغانستان	۸/۲۳	۶/۳۲	۱۸/۳۳	۰/۴۹	۱/۸۱	۱۲/۸۰	۷/۷۰	۳/۰۸
الجزایر	۲۲/۴۰	۲۴/۰۴	۲۰/۳۸	۱۱/۱۶	۱۰/۹۷	۱۱/۴۱	۱۰/۱۱	۱۱/۵۳
بنگلادش	۱۹/۳۳	۲۰/۸۴	۱۷/۴۷	۸/۰۰	۹/۲۹	۶/۴۱	۱۰/۴۹	۳/۲۷
بورکینافاسو	۱۸/۴۷	۲۴/۸۴	۸/۵۸	۷/۵۲	۱۲/۷۵	۰/۶۷	۱۰/۱۹	۱/۵۰
کامرون	۲۴/۶۱	۲۱/۴۹	۲۸/۶۴	۱۱/۶۳	۹/۸۷	۱۳/۸۶	۱۱/۶۳	۰/۲۱
مصر	۲۰/۸۵	۲۲/۲۵	۱۷/۴۴	۸/۲۷	۸/۳۱	۸/۱۵	۱۱/۶۲	۳/۸۶
زامبیا	۱۴/۱۲	۱۶/۹۶	۱۰/۶۷	۲/۷۳	۶/۱۹	۱/۴۳	۱۱/۰۸	۹/۴۲
اندونزی	۲۷/۱۱	۲۵/۸۴	۲۸/۷۱	۱۲/۵۱	۸/۷۰	۱۷/۶۴	۱۲/۹۷	۵/۰۰
ایران	۳۲/۲۵	۴۰/۵۲	۱۳/۶۳	۱۲/۴۶	۲۱/۰۳	۶/۴۱	۱۷/۵۹	۲/۲۲
اردن	۲۷/۸۲	۲۹/۴۳	۲۵/۸۴	۱۷/۱۸	۱۵/۹۵	۱۸/۷۳	۹/۰۸	۵/۳۷
مالزی	۱۸/۴۲	۲۱/۰۲	۶/۲۵	۱۱/۸۲	۱۲/۴۸	۰/۳۹	۵/۹۰	۸/۰۲
مراکش	۱۴/۷۹	۱۷/۷۳	۱۱/۹۲	۴/۱۷	۷/۰۲	۱/۳۹	۱۰/۰۲	۵/۳۲
پاکستان	۱۶/۰۹	۱۵/۴۷	۱۶/۸۷	۶/۹۱	۵/۱۴	۹/۱۶	۸/۵۹	۰/۱۸
سنگال	۹/۴۴	۸/۲۵	۱۰/۹۴	۰/۴۹	۱/۳۷	۰/۵۸	۸/۹۰	۶/۰۵
سومالی	۲۰/۶۲	۱۶/۹۹	۲۵/۳۱	۹/۰۷	۴/۳۷	۱۴/۶۲	۲۳/۶۵	۶/۵۳
تونس	۱۸/۷۴	۲۱/۶۶	۱۵/۲۰	۱۰/۲۳	۱۵/۴۳	۴/۰۶	۷/۷۲	۱۰/۰۱
ترکیه	۵۱/۸۸	۵۴/۸۱	۴۸/۳۰	۵/۶۹	۳/۱۰	۹/۰۲	۴۳/۷۱	۲/۵۸

است که بعد از آن تونس با سهمی معادل ۴۵ درصد قرار دارد. سهم عایدی نیروی کار در کل ارزش افزوده کشورهای ترکیه، مالزی، سومالی، بنگلادش و کامرون بین ۳۰ تا ۳۵ درصد تغییر میکند و در زامبیا و اردن ۲۲-۲۷ درصد و در بورکینافاسو، اندونزی و پاکستان ۱۹-۱۸ درصد میباشد (همان جدول ۵)

در یازده کشور از کل ۱۷ کشور مشاهده میشود که

موضوع دیگر بررسی سهم دستمزدها در میزان درآمدهای خالص است که در پروسه تولید ایجاد میگردد. یا به عبارتی سهم دستمزدها در ارزش افزوده محاسبه میشود (جدول ۵)

این معیار یکی از رایج ترین شاخص های مورد عمل برای تعیین نقش موثر نیروی کار در جریان تولید است. میزان سهم نیروهای کار در ارزش افزوده صنایع کارخانه ای در مراکش، مصر، الجزایر، سنگال و ایران ۵۰ تا ۵۵ درصد

جدول (۴): دستمزد واقعی هر فرد شاغل (دلار)

کشور	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴
الجزایر	۷۷۶۰	۷۸۵۶	۷۳۷۳	۷۵۲۶	۷۶۸۵	۷۵۶۵	۷۰۴۳	۶۸۰۷	۷۲۷۳	۷۶۸۵
بنگلادش	۴۱۷	۴۵۳	۴۱۳	۴۶۱	۵۳۶	۵۵۴	۵۶۷	۵۴۲	۵۱۰	۶۰۶
بورکینافاسو	۱۵۶۹	۲۲۲۶	۲۱۲۴	۲۵۲۱	۲۹۸۹	۲۶۵۴	۲۶۳۰	۲۵۶۹	۲۴۹۳	۲۹۰۴
کامرون	۳۴۴۴	۳۷۸۹	۳۶۷۴	۳۷۶۳	۴۲۶۹	۵۵۷۳	۷۰۰۸	۷۱۳۴	۷۶۰۸	۸۶۰۶
مصر	۱۹۰۷	۱۹۷۳	۲۰۰۱	۲۰۸۹	۲۲۰۵	۲۲۵۳	۲۴۳۴	۲۵۵۰	—	—
زامبیا	۵۳۹	۶۲۴	۶۴۵	۹۴۵	۱۱۳۷	۱۱۹۵	۱۲۱۱	۹۴۱	۱۳۲۶	۱۲۹۱
اندونزی	۵۵۲	۵۰۲	۵۵۰	۶۰۱	۶۰۶	۶۵۵	۷۴۲	—	۹۱۲	۱۰۲۸
ایران	۶۴۹۰	۷۴۶۸	۷۳۲۸	—	۱۶۰۰۵	۱۵۱۰۴	۱۳۲۱۰	۱۱۴۷۸	—	—
اردن	۲۶۷۲	۲۸۷۶	۲۸۰۲	۳۲۲۱	۴۱۳۷	۴۳۱۵	۴۵۵۵	۴۷۶۴	۴۸۸۷	۶۴۰۸
مالزی	—	۲۰۲۳	—	۲۱۳۷	—	—	۲۶۷۹	۲۸۶۸	—	—
مراکش	—	۲۸۰۷	۲۹۱۸	۳۰۵۵	۳۰۴۰	۲۹۹۴	۲۹۵۶	۲۷۷۶	۲۷۳۶	۲۷۳۵
پاکستان	۸۰۲	۸۴۰	۹۰۶	۹۷۸	۱۰۰۷	۱۰۲۲	۱۰۵۵	۱۲۲۲	۱۳۹۴	۱۴۴۷
سنگال	۳۳۰۷	۳۸۸۳	۳۱۶۳	۳۱۱۴	۲۸۳۰	۲۶۳۹	۲۶۲۰	۲۲۴۰	۲۳۷۲	۲۰۱۹
سومالی	۳۲۶۰	۳۲۴۳	۳۰۲۷	۳۲۸۲	۳۱۱۹	۱۹۰۱	۱۷۹۷	۱۵۵۴	۱۲۴۹	۷۳۰
تونس	۲۱۴۶	۲۳۶۰	۲۶۵۳	۲۷۸۳	۲۶۷۶	۲۷۲۹	۲۶۹۳	۲۱۵۹	۲۱۵۶	۲۱۴۲
ترکیه	۲۸۶۲	۲۹۸۲	۳۵۷۴	۳۳۲۲	۳۲۲۲	۲۹۳۵	۳۱۱۲	۲۹۵۹	۳۳۱۶	۳۷۶۶
افغانستان	۷۰۷	۷۳۸	۶۸۱	۶۴۶	۵۴۰	۵۵۴	۶۹۰	—	—	—

مداوم از ۳۱/۴ تا ۵۳/۳ درصد افزایش یافت در حالی که این سهم در پاکستان بطور مستمر از ۲۵/۵ تا ۱۹/۳ درصد کاهش داشت هنگامی که ارقام جدول ۷ را با ارقام موجود در جدول ۱ مقایسه نمائیم مشاهده میشود که کشورهایی که میزان سهم دستمزدهایشان در ارزش افزوده بالاست (یا به عبارتی تمرکز بیشتر نیروی کار در جریان تولید بالا بوده و یا میزان کاربری صنایع آنها بیشتر است) رشد بازده تولید آنها از نرخ یائین تری برخوردار است.^(۱)

سهم دستمزدها در ارزش افزوده برای دوره ۱۹۷۵-۸۴ بدون تغییر و در یک حد تعادل باقی مانده که بیانگر رشد عایدی نیروی کار و درآمد خالص بخش تولیدی این کشورها آنها با نرخی یکسان میباشد. در میان این کشورها با وجودی که زامبیا، بورکینافاسو و ایران در اولین دوره بترتیب سهمی معادل ۲۳، ۶۰/۸ و ۷۰/۴ درصد را در مورد ارزش افزوده به ثبت رساندند ولی سهم دستمزدها بطور اساسی در دومین دوره کاهش یافت. در سنگال میزان سهم دستمزدها در طول دوره بطور

جدول (۵): سهم دستمزدها در ارزش افزوده (درصد)

کشور	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴
الجزایر	۵۳/۶۲	۵۲/۹۲	۵۲/۶۹	۵۳/۴۴	۵۳/۰۲	۵۳/۰۲	۵۳/۰۲	۵۳/۰۲	۵۳/۰۲	۵۳/۰۵
بنگلادش	۳۲/۶۷	۳۲/۸۸	۲۶/۴۴	۲۹/۵۹	۳۵/۹۴	۳۳/۰۶	۳۰/۴۰	۳۲/۱۲	۳۱/۸۶	۳۳/۸۰
بورکینافاسو	۱۹/۹۲	۱۵/۱۰	۱۷/۲۴	۲۰/۳۲	۲۲/۷۴	۲۳/۰۳	۲۰/۹۰	۱۹/۸۰	۱۸/۲۶	—
کامرون	۳۸/۶۱	۳۸/۰۴	۳۶/۵۵	۳۹/۰۱	۳۴/۲۷	۳۶/۶۱	۳۶/۶۱	۳۶/۶۱	۳۶/۶۱	۳۵/۶۵
مصر	۵۰/۸۹	۵۰/۲۱	۴۶/۳۹	۵۲/۱۰	۴۹/۵۷	۴۹/۵۷	۵۱/۸۷	۵۲/۷۱	—	—
زامبیا	۴۳/۱۹	۴۳/۱۰	۴۰/۳۳	۶۰/۷۹	۴۰/۸۲	۲۵/۶۸	۲۵/۵۱	۳۰/۲۲	۲۴/۲۸	۲۱/۹۴
اندونزی	۲۳/۸۴	۲۱/۴۲	۲۰/۶۹	۲۰/۳۷	۱۹/۵۹	۱۶/۳۶	۱۷/۴۹	—	—	۱۸/۶۸
ایران	۲۷/۳۹	۲۹/۸۳	۳۰/۹۲	—	۷۰/۴۱	۵۸/۸۲	۵۱/۰۶	۵۴/۲۹	—	—
اردن	۲۵/۶۷	۲۷/۰۱	۲۷/۹۴	۳۲/۳۳	۲۸/۱۷	۲۷/۰۳	۲۷/۳۶	۲۸/۶۲	۲۷/۶۷	۲۷/۲۰
مالزی	—	۲۷/۵۰	—	۲۵/۶۲	—	—	۲۹/۲۰	۳۲/۰۳	۳۰/۸۰	—
مراکش	—	۴۴/۰۳	۵۲/۰۰	۵۱/۰۹	۵۰/۸۲	۵۰/۵۵	۵۰/۸۲	۵۰/۸۲	۵۰/۸۲	۵۰/۴۱
پاکستان	۲۵/۵۲	۲۶/۸۸	۲۳/۴۴	۲۲/۷۲	۲۱/۶۳	۲۰/۵۹	۱۹/۶۰	۲۰/۶۱	۲۰/۶۱	۱۹/۳۱
سنگال	۳۱/۴۳	۳۱/۳۲	۲۷/۸۰	۴۶/۴۰	۴۶/۵۸	۴۳/۱۰	۴۹/۱۷	۴۵/۶۱	۴۵/۹۶	۵۳/۳۵
سومالی	۳۲/۱۲	۲۶/۰۷	۲۵/۱۹	۳۱/۴۰	۳۲/۷۸	۲۹/۷۹	۲۹/۷۹	۲۹/۷۹	۳۲/۱۳	۳۲/۹۲
تونس	۴۸/۳۱	۴۹/۹۱	۵۰/۰۱	۴۹/۶۸	۴۶/۵۳	۴۶/۳۹	۴۷/۷۳	۴۶/۸۹	۴۶/۸۹	۴۵/۸۲
ترکیه	۳۲/۰۱	۳۱/۶۵	۳۷/۶۶	۳۷/۶۷	۳۸/۰۹	۳۴/۶۷	۳۲/۷۸	۳۱/۰۳	۳۲/۸۳	۳۰/۴۳

بازده تولید و دستمزدها

از نظر تئوری انتظار این است که همیشه يك ارتباط صحیحی بین دستمزد و بازده تولید وجود داشته باشد بطوریکه میزان و نرخ رشد بازده تولید گویای کارآئی پروسه تولید و نیز میزان رشد درآمد حاصله از آن باشد. به بیانی دیگر فرض بر این است که بازده تولیدی کارگر عامل مهم تعیین ارزش اقتصادی وجهی باشد که او دریافت میدارد. جدول شماره ۸ روند بازده تولید و نرخ واقعی دستمزدها و

نیز رابطه آنها را برای دوره ۱۹۷۵-۸۴ نشان میدهد. دو کشور تونس و ایران از رابطه مثبت مورد انتظار تخطی نموده‌اند. در مورد تونس چون نرخهای رشد واقعی بازده تولید و دستمزد بسیار ناچیز میباشد میتوان صرفنظر نمود اما در مورد ایران نرخ واقعی دستمزد از سال ۱۹۷۸ به دلیل تغییرات حاصله در سیاست اقتصادی این کشور رشد زیادی نمود در صورتیکه بازده تولیدی روندی کاهنده داشت.

جدول شماره (۶): روند نرخ واقعی بازده تولید و دستمزدها در صنایع تولیدی برای دوره ۸۴ - ۱۹۷۵

بازده تولید		کشور	تولید
کاهش	افزایش		
ایران	بنگلادش بوركینافاسو كامرون مصر زامبیا اندونزی	ایران	تولید
افغانستان الجزایر مراکش سنگال سومالی	اردن مالزی پاکستان ترکیه	تونس	تولید

در الجزایر، افغانستان، سنگال، سومالی افزایش هزینه واحد کار گویای کاهش بازده تولید آنها با نرخي بیش از کاهش دستمزدها بود و در کامرون، مصر، زامبیا و مالزی افزایش هزینه کار بیشتر بازتاب افزایش نرخ دستمزدها بوده است. در کشورهای بنگلادش، اندونزی، اردن، ترکیه بازده تولید با نرخي بیش از نرخ دستمزدها افزایش یافت که در نتیجه هزینه کار سالانه از ۰/۰۹ تا ۳ درصد کاهش داشت. در مراکش و تونس نیز این رقم کاهش یافت و این امر نشان داد که دستمزدها با نرخي بیش از بازده تولید کاهش یافت و بعد از آن افزایش بازده تولید با کاهش دستمزد نیز همراه گردید.

نتیجه:

همانطور که قبلاً ذکر گردید بازده تولیدی نیروی کار در بخش صنایع یکی از ابزارهایی است که جهت مقایسه کارآئی تولید بین کشورهای مختلف مورد استفاده است. این مقایسه ما را تا حدودی با کاستی‌های موجود در بخش

بررسی تأثیرات متقابل دستمزد و بازده تولیدی را میتوان از طریق «هزینه واحد نیروی کار»^(۳) تکمیل نمود. هزینه واحد نیروی کار را میتوان از طریق تقسیم دستمزدهای واقعی به تولید بدست آورد. چنانچه نرخ‌های تغییر دستمزدها و بازده تولید برابر باشند طبیعی است که نرخ تغییر هزینه واحد کار صفر خواهد شد.

در میان کشورهای تحت بررسی بالاترین نرخ افزایش هزینه واحد کار برای ایران ۱۳/۱ درصد در سال و بوركینافاسو ۴/۳ درصد در سال بوده است که نشان‌دهنده افزایش دستمزدها در مقابل کاهش بازده تولید میباشد. پاکستان بیشترین کاهش را در هزینه واحد کار (۴ درصد) همراه با افزایش شدید بازده تولید (۱۱/۲ درصد در سال) با نرخي بیش از نرخ افزایش دستمزدها تجربه نمود. میزان افزایش هزینه‌های واحد کار در افغانستان و زامبیا ۲/۷ تا ۲/۸ درصد و در کامرون، سومالی، مصر، مالزی، سنگال و الجزایر بین ۰/۵ تا ۱/۴ درصد بود. از میان این کشورها

صنعتی آشنا میسازد و نیز در صورت تمایل به گسترش زمینه تحقیق میتواند ما را در شناخت علل شکست یا موفقیت صنایع یاری رساند. البته این موضوعی است که کاملاً در این تحقیق نمی‌گنجد. اگرچه مقایسه بازده تولید صنعتی بین کشورهای گوناگون خالی از اشکال نمی‌باشد ولی رویهمرفته جالب و جذاب می‌باشد. مقایسه بین میزان بازدهی نیروی کار (بازده تولیدی کار) مستلزم مقایسه حجم تولید صنعتی و تعداد نیروی کار یا کارگر می‌باشد تهیه آمار و دستیابی به اطلاعات لازم در این زمینه حتی اگر امکانش نیز وجود داشته باشد همیشه نتیجه‌اش موفقیت‌آمیز نخواهد بود. بعلاوه وجود تفاوت‌های بسیار در نموده‌های بازدهی نیروی کار در کشورهای مختلف همراه با ویژگی‌های ناپایدار بازدهی و دستمزد تلاش ما را در نیل به نتیجه‌گیری کلی تا حدود بسیاری با اشکال مواجه می‌سازد. واضح است که بین بازده تولید در کشوری که از دانش فنی محروم بوده با کشوری که از تکنولوژی پیشرفته برخوردار است از نظر کیفیت امر تفاوت وجود دارد و هرگونه قیاسی خالی از خطا نخواهد بود. اما بدلیل واقعیت‌های موجود و خصوصاً با توجه به اینکه کشورهای مورد نظر در این گزارش از نظر صنعتی تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند ناگزیریم که از این تفاوت ماهوی که در مورد این کشورها تقریباً ناچیز است چشم‌پوشی نموده و در نتیجه تنها به بررسی برخی روابط متقابل و مهم بین محصول، اشتغال، بازدهی و دستمزدها در صنایع تولیدی‌شان اکتفا نمائیم. حتی پا را قدری از این هم فراتر گذارده و مقایسه‌هایی نیز بین این کشورها با یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان انجام داده‌ایم.

بطور کلی از میان کشورهای تحت بررسی، متوسط سالیانه بازده تولید در دوره مورد بررسی (۸۴-۱۹۷۵) در بازده کشور (بنگلادش، بورکینافاسو، کامرون، مصر، زامبیا، اندونزی، اردن، مالزی، پاکستان، تونس، ترکیه) افزایش یافته در حالی که میزان آن در ۶ کشور دیگر (افغانستان، الجزایر، ایران، مراکش، سنگال، سومالی) کاهش پیدا کرده است. بطور کلی روند بازده تولید رشد موثر تولید را در

کشورهائی که دارای نرخ رشد مثبت در بازده تولید هستند نشان میدهد.

در بعضی از کشورها رشد بالای بازده تولید حاصل افزایش تولید بدون ایجاد مشاغل جدید و در برخی دیگر افزایش آن معلول کاهش میزان اشتغال بدون تغییر میزان تولید بوده است طبیعی است که بین این دو مورد تفاوت اساسی بچشم می‌خورد. مورد اول ارزش اقتصادی داشته در حالی که مورد دوم غالباً وجود ضعف را در اقتصاد جامعه می‌رساند. در بعضی از کشورها رشد بازده تولید نتیجه رشد میزان اشتغال و نیز رشد میزان تولید بوده است صرفنظر از تکنولوژیهای بکاررفته، حالت اخیر مناسب بودن رشد بخش مورد نظر و یا رشد اقتصادی جامعه را می‌رساند.

چنانچه بیان گردید در بعضی کشورها رشد بالای بازده تولید حاصل افزایش تولید بدون ایجاد شغل جدید بود. در میان این گروه از کشورها رشد بازده تولید در تونس و زامبیا يك استثناء بوده است:

در سراسر دوره مورد نظر در تونس تنها يك مورد افزایش کم در بازده تولید بوقوع پیوست و بیشتر افزایش‌های حاصله در محصول از طریق افزایشهای اشتغال خنثی گردید ولی در مورد زامبیا قضیه به شکل دیگری شکل گرفت بدین معنی که در سراسر دوره افزایش بازده تولید حاصل کاهش اشتغال بود اگرچه محصول نیز کاهش یافت ولی میزان کاهش اشتغال از میزان کاهش محصول بمراتب بیشتر بود. این یکی از مواردی است که موجب گمراهی میشود یعنی در ظاهر بازده تولید افزایش یافته ولی با بررسی مشخص میگردد که این امر عمدتاً ناشی از کاهش سطح اشتغال بوده است.

صنایع تولیدی کشورهای که کاهش بازده تولید را تجربه میکنند غالباً دچار اشتغال زیاد و افزایش (یا حتی در مواردی کاهش) محصول می‌باشند. این قضیه در مورد افغانستان، ایران، سنگال و سومالی صدق دارد. در مراکش محصول و اشتغال تقریباً با نرخهای یکسانی رشد یافته‌اند اما بازده تولید به آرامی در سراسر دوره کاهش یافت و حتی

نرخ این کاهش در اواخر دوره نسبت به اوایل دوره بیشتر بود.

در مجموع رشد کلی در بیشتر کشورهای تحت بررسی موفقیت آمیز بود. اما میزان بازده تولید در همه آنها جز اردن، کامرون، ایران و ترکیه نسبتاً پایین بود.

در اکثر کشورها، ارزش دستمزدها بطور مداوم با نرخهای بالا و قابل توجهی رشد می‌یافت اما وقتی که اثرات افزایش قیمت‌ها یا تورم را در نظر بگیریم میزان نرخ افزایش دستمزدها جزئی بنظر می‌رسد. در تمام این کشورها به استثناء الجزایر، کامرون، ایران و اردن شاغلین سطح پائین از دستمزدهای واقعی را دریافت می‌کردند.

در سراسر دوره سهم دستمزدها در ارزش افزوده‌ی بعضی کشورها ثابت بود. کشورهایی که سهم دستمزد در ارزش افزوده‌شان بالا بود و بطور کلی سهم فراوان کار را در پروسه تولید داشتند، بازده تولیدشان از نرخ رشد پائینی برخوردار بود. عکس این مسئله در مورد کشورهای که دارای بازده تولیدی بالائی هستند مصداق دارد.

در بیشتر کشورها هزینه واحد کار با نرخهای جزئی کاهش یا افزایش داشته است تنها کشورهایی که از نرخ بالای افزایش هزینه واحد کار برخوردارند عبارت از بورکینافاسو و ایران میباشند. بهر حال در مجموع افزایش در این نوع هزینه‌ها نشان‌دهنده افزایش سطح دستمزدها آنها با نرخی بیش از افزایش بازده تولید میباشد (مانند کامرون، مصر، زیمبابه، بورکینافاسو و مالزی). عکس این قضیه نیز درست است یعنی افزایش در هزینه واحد کار میتواند معلول کاهش بازده تولید با نرخی بیش از کاهش دستمزدها باشد (مانند افغانستان، الجزایر، سنگال و سومالی) بنابراین هر دو حالت فوق منجر به افزایش هزینه واحد کار شده است اما بدون تردید مواقعی وجود دارد که هزینه واحد کار کاهش می‌یابد امری که مورد نظر هر صاحب واحد تولیدی چه در سطح واحدهای تولیدی کوچک و چه در سطح واحدهای تولیدی بزرگ میباشد. این کاهش هزینه واحد کار میتواند حاصل افزایش بازده تولید و

همراه با کاهش دستمزدها باشد بهترین مثال برای این حالت در میان کشورهای تحت بررسی تونس میباشد و یا افزایش فوق‌الذکر ممکن است ناشی از افزایش بازده تولید با نرخی بیش از افزایش دستمزدها باشد. بنگلادش، اندونزی، اردن، پاکستان و ترکیه نمونه‌هایی هستند که از این حالت تبعیت میکنند و بالاخره افزایش هزینه واحد کار میتواند معلول کاهش دستمزد با نرخی بیش از کاهش بازده تولید باشد. مراکش اینگونه بوده است.

حال میتوان یک نتیجه‌گیری کلی تر سراغ گرفت. این تحقیق به ما نشان میدهد که چگالی یا تراکم نیروی کار در بخش تولیدی در بیشتر کشورها با نرخ رشد بازده تولید رابطه‌ای معکوس دارند. یعنی هرچه تراکم نیروی کار بیشتر باشد نرخ رشد بازده تولید کمتر خواهد بود در حالی که همین نرخ رشد بازده تولید با نرخ واقعی دستمزدها هم جهت‌اند. از اینرو میتوان گفت:

«کشورهایی که نرخ رشد اشتغال در بخش صنایع را کنترل مینمایند در زمینه افزایش بازده تولید و بنابراین در زمینه افزایش نرخ واقعی دستمزدها بیشتر موفق بوده‌اند. در حالیکه «مشاغل زیاده از ظرفیت» در سایر کشورها در روند رشد بازده تولید و بنابراین نرخ واقعی دستمزدها ممانعت بعمل می‌آورد بنابراین باید در نظر داشت که علیرغم اینکه ایجاد فرصت‌های شغلی مهم میباشد ولی مسئله مهمتر، لزوم افزایش میزان دسترسی به فرصتهای شغلی مولد میباشد. ■

باورقی:

(۱) توضیح باورقی از صفحه ۲۰ ضریب همبستگی (اسپرمن) این رابطه معکوس، میان چگالی نیروی کار و نرخ رشد بازده تولید در مورد ۱۶ کشور ۶۴/۰ میباشد. چنانچه سومالی و بورکینافاسو از مجموعه ۱۶ کشور کنار گذاریم ضریب فوق تا ۸۶/۰ افزایش خواهد یافت. در بررسی بیشتر ارتباط بین نرخهای رشد بازده تولید و دستمزد واقعی میتوان از این ضریب استفاده نمود.

1- UNIT LABOUR COST (ULC)

۲- از نظر ریاضی میتوانیم هزینه واحد کار را بصورت زیر نمایش دهیم اگر:

W: نرخ واقعی دستمزد:

L: تعداد کل شاغلین:

O: میزان کل تولید:

P: بازده تولید باشد:

بنابراین هزینه واحدهای نیروی کار عبارت است از: $ULC = W/P$ یا $ULC = WL/O$